فلسفهٔ حجاب

بررسی آثار و فوائد حجاب اسلامی




مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه اصفهان
السلام علیک یا صاحب الزمان
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

فلسفه حجاب (بررسی آثار و فوائد حجاب اسلامی)

مشخصات کتاب

سرشناسه : سعیدی رضا، ۱۳۴۸-
عنوان و نام پدیدآور : فلسفه حجاب (بررسی آثار و فوائد حجاب اسلامی / تالیف رضا سعیدی ویراستار زهرا زرلکی
مشخصات نشر : تهران رهروان نور ۱۳۸۰.
مشخصات ظاهری : [۱۰۳] ص
شابک : ۴۵۰۰ریال 9649328009
یادداشت : کتابنامه ص [۱۰۳]؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع : حجاب
رده بندی کنگره : BP۲۳۰ /۱۷/س۷ف۸
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۶۳۶
شماره کتابشناسی ملی : م ۸۰-۱۷۸۰۹

چون حضرت موسی(علیه السلام) مرد قبطی را به قتل رساند ،

فرعونیان نقشه کشیدند موسی را به قتل برسانند ؛ موسی (علیه السلام) از مصر خارج شد و هشت (یا سه) روز در راه بود تا به دروازه شهر مدین رسید و سختی های بسیار کشید و برای رفع خستگی زیر درختی که چاهی کنارش بود ، آرمید . او مشاهده کرد که دو دختر برای آب کشیدن از چاه منتظرند تا چوپانان آب گیرند بعد نوبتشان شود . به آن ها فرمود : من برای شما آب می کشم ؛ و آنان از هر روز زودتر آب را به خانه آوردند . پدر این دو دختر (حضرت شعیب (علیه السلام)) پرسید : چطور امروز زودتر آب آوردید و گوسفندان را آب دادید ؟ آنان قصه ی آن جوان را نقل کردند . شعیب فرمود : نزد آن مرد بروید و او را نزد من آورید تا پاداش کارش را به وی بدهم . دختران ، نزد موسی (علیه السلام) آمدند و درخواست پدرشان را گفتند . موسی (علیه السلام) هم بی درنگ به خاطر خستگی و گرسنگی و غریب بودن ، قبول کرد . دختران به عنوان راهنما ، جلو راه می رفتند و موسی (علیه السلام) به دنبال آنان می رفت و نگاه می کرد از کجا می روند . چون هیکل و بدن آنان از پشت ، نمایان بود ، حیا و غیرت ، به او اجازه نمی داد به آنان نگاه کند ؛ پس فرمود : من جلو می روم و شما پشت سر من بیایید ؛ هرکجا دیدید اشتباه می روم ، راه را به من نشان دهید (یا سنگریزه ای جلوی پای من بیندازید تا راه را تشخیص بدهم) ؛ زیرا ما فرزندان یعقوب به پشت زنان نگاه نمی کنیم . وقتی نزد حضرت شعیب (علیه السلام) آمدند و جریان را گفتند ، شعیب نیز به خاطر پاداش کار ، نیروی جسمانی ، حیا ، پاکی و امین بودن ، دختر خود (به نام صفورا) را به ازدواج حضرت موسی (علیه السلام) درآورد . منبع : هزار و یک حکایت اخلاقی ؛ محمدحسین محمدی ، ص 224

روزی زلیخا با یوسف خلوت کرد و از فرصت به دست آمده استفاده نمود. روبه یوسف کرد و گفت: سرت را بلند کن و به من نگاهی کن.

یوسف گفت: می ترسم هیولای کور و نابینایی بر دیدگانم سایه افکند.
- زلیخا: به به! چه چشم های شهلا و زیبایی داری!
- یوسف: همین دیدگان من در خانه ی قبر، نخستین عضوی هستند که متلاشی شده و روی صورتم می ریزند.
- زلیخا: چه قدر بوی خوشی داری!
- یوسف: اگر سه روز بعد از مرگ من بوی مرا استشمام نمایی، از من فرار می کنی.
- زلیخا: چرا نزدیک من نمی آیی؟
- یوسف: چون می خواهم به قرب خداوند نایل شوم.
- زلیخا: گام بر روی فرش های پر بها و حریر من بگذار و خواسته مرا برآور.
- یوسف: می ترسم بهره ام در بهشت از من گرفته شود.
وقتی که زلیخا استقامت و پاک دامنی یوسف را دید و یقین کرد که تسلیم هوس های او نمی شود، از راه تهدید وارد شد و به یوسف گفت: حالا که چنین است تو را به شکنجه گران زندان می سپارم... یوسف با کمال نیرو گفت: باکی نیست، خدا یاور من است.
امام علی (علیه السلام) فرمودند: همراه حضرت زهرا (سلام الله علیها) به حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رفتیم، دیدیم پیامبر به شدت گریه می کنند. عرض کردم: پدر و مادرم به فدایت، چرا گریه می کنی؟ فرمودند: ای علی! در شب معراج زنانی را در عذاب های گوناگون دیدم، از این رو گریه می کنم. از جمله فرمودند:
1. زنی را دیدم که به مویش آویزان است و مغز سرش از شدّت گرما می جوشد.
2. و زنی را دیدم که به دو پایش آویزان شده است.
3. و زنی را دیدم که گوشت بدن خود را می خورد.
4. و زنی را دیدم که با قیچی ها گوشت بدن خود را بریده بریده می کرد.
5. و زنی را دیدم که صورت و بدنش می سوخت و او روده های خود را می خورد.
حضرت زهرا (سلام الله علیها) عرض کردند: ای حبیب و نور چشمم! به من بگو عمل آن زن ها در دنیا چه بود که این گونه مجازات می شدند.
- زنی که به مویش آویزان شده بود و مغز سرش از گرما می جوشید، به خاطر آن بود که در دنیا موی سرش را از نامحرمان نمی پوشاند.
- زنی که به دوپایش آویزان بود، به خاطر آن بود که در دنیا بدون اجازه ی

شوهرش از خانه بیرون رفت.

- زنی که گوشت بدنش را می خورد، به خاطر آن بود که در دنیا اندام خود را برای نامحرمان آرایش می کرد.

- زنی که با قیچی ها گوشت بدنش را می برید، به خاطر آن بود که او در دنیا خودفروشی می کرد و خود را برای کام جویی عیّاشان در معرض تماشای آن ها می گذاشت.

- زنی که صورت و بدنش می سوخت و روده های خود را می خورد، به خاطر آن بود که بین زن و مرد نامحرم رابطه ی نامشروع برقرار می نمود و در این جهت دلاّلی می کرد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در پایان فرمودند: «وَیل لامرأ?ٍ اَغضَبَت زوجَها و طوبی لامرأ?ٍ رضی عنها زوجُها؛ وای بر زنی که شوهرش را خشمگین کند و خوشا به حال زنی که شوهرش از او خشنود باشد». (1) پی نوشت: 1. اقتباس از: عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 10 و بحارالانوار، ج 103، ص 246 – 245 و کتاب پوشش زن در اسلام، ص 53 – 52. منبع: با معارف اسلامی آشنا شویم، شماره ی 40.

امام خمینی که در عصر حاضر از هر نظر الگوی می باشند در مورد رعایت حجاب در خانواده نیز بسیار دقیق و مراقب بودند دختر گرامی ایشان این دقت و مراقب را چنین بیان کرده اند:

بهر حال همانطور که گفتم ایشان (امام خمینی) در مقابل بیرونی و نامحرم خیلی سختگیرند، آلا ن پسرهای من و احمد آقا 15 و 16 ساله اند و ما یکروز اگر منزل آقا برای ناهار دعوت شویم پسرها حق آمدن ندارند یا اگر هم بیایند ما خانه خانم (همسر حضرت امام) می نشینیم و سفره می اندازیم و آنها منزل احمد آقا، آن هم برای اینکه پسرها و دخترهای اهل فامیل و خانه با هم غذا نخورند، نه فقط سر سفره بلکه حتی سلام هم به هم نکنند چون واجب نیست.

من خودم پانزده ساله بودم که آقای اشراقی با خواهرم ازدواج کرد، و داماد ما شده بود.

یک روز ما دعوت داشتیم منزل ایشان همینجور که من و آقا با هم وارد شدیم ، دیدم آقای اشراقی دارند به استقال می آیند، در یک باغچه ای بود که ما داشتیم جلو می رفتیم ، من گفتم : سلام بکنم؟ امام گفتند: واجب نیست ، من هم رویم نشد که سلام نکنم ، زدم و از تو باغچه رد شدم که با آقای اشراقی روبرو نشوم.(1)

پی نوشت:

1- فلسفه حجاب، ص 114

به هر حال کلاس چهارم و پنجم گذشت و من از پدر و مادرم خواستم چادری نو، برایم بخرند، و با خود عهد کردم که در مدرسه جدید از ابتداء چادر سر کنم و چنین هم کردم و همین امر باعث جدا شدن من از دوستان سالهای قبلی ام شد و نیز جدا شدن راه زندگی ام .

آنها کم کم دخترانی بی قید و بند و منحرف شدند و سر راه مدرسه به هر کس و ناکسی می خندیدند (هم از روی نادانی به عواقب کارشان و هم به علت بی خبری از حالات و احوال درونی مردان و جوانان ، و شاید به قصد لذّت نفسانی خود)
اما من سرم را پایین انداخته ، رویم را محکم می گرفتم و به تنهایی به مدرسه می رفتم .
و همین چادر، مرا از گمراهی که در اثر دوستی با آنها دامنگیرم می شد نجات داد. البته حجابم شُل و سفت می شد تا بعد از انقلاب ، و هم اکنون (بخصوص بعد از آشنایی با حقایق) مانند یک حصار محکم بدان نیازمندم .
در سایه آن احساس امنیت می کنم و به قول گروهی از بانوان مؤ منه حقیقی ، چادر برای ما نه تنها سنگینی نیست ، بلکه با آن احساس آرامش می کنیم اگر نگاه آلوده ای ما را تعقیب کند، با محکمتر گرفتن آن ، او را از خود می رانیم و می فهمانیم که اجازه نامردی ندارد.(1)

پی نوشت:
1- دکتر احمد صبور اردوبادی، آئین بهزیستی اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ دوم، جلد سوم، ص 270 و 271

برادر خادم یکی از محافظین بیت امام :

یکی دیگر از موارد خاطرات من مسأله دقّت در رعایت حجاب نزدیکان امام از جانب ایشان بود بعضا لازم می شد که ما به طور سر زده به خدمت ایشان برسیم و مطلبی را عرض نماییم .
بلافاصله بعد از زدن درب و تقاضای ورود از جانب ما، اگر از بستگان امام نزد ایشان بودند، خیلی سریع می گفتند: که کمی صبر کنید و بعد به بستگان خویش تذکر می دادند چادر خود را بر سر گذارند، تا وارد شویم و بالعکس اگر ما در داخل خانه بودیم و یکی از بستگان امام قصد دخول داشتند، بلافاصله امام می فرمودند که : یا اللّه یا اللّه ... نامحرم داخل اتاق است .
البته امام برای تذکر اعلام کرد و گرنه بستگان امام همیشه رعایت حجاب خویش را می نمودند.(1)

پی نوشت:
1- پاسداران حجاب، ص 49

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ في سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ
(سوره توبه آیه 41)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص 159
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال 1340 هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال 1385 هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازيهاي رایانه اي و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار هاي تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط 2350524)
ز)طراحی سیستم هاي حسابداري ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگي مذهبي قائمیه اصفهان
تاریخ تأسیس: 1385 شماره ثبت : 2373 شناسه ملی : 10860152026
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com
فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن 25-2357023- (0311) فکس 2357022 (0311) دفتر تهران 88318722 (021) بازرگانی و فروش 09132000109 امور کاربران (0311)2333045
نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت

امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.
شماره حساب 621060953 ، شماره کارت :6273-5331-3045-1973و شماره حساب شبا : IR90-0180-0000-0000-0621-0609-53به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».
التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».
[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».
مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».